

## حمله مجدد آمریکا به مراکز فرماندهی، موشکی و پهپادی، پدافند و زیرساخت‌های دریایی ایران

بهرام رحمانی

[bahram.rehmani@gmail.com](mailto:bahram.rehmani@gmail.com)

تنگه هرمز، دریای خزر، باب المندل و کانال سوئز، چهار آبراه راهبردی به‌عنوان گلوگاه‌های حیاتی انرژی و تجارت جهان شناخته می‌شوند. هر کدام از این چهار آبراه، نقش مهمی در اقتصاد، سیاست و امنیت بین‌المللی دارند. حمله پهپادی به دو شناور ذخیره‌سازی و تبدیل گاز طبیعی مایع در بندر دمياط مصر، نگرانی‌ها درباره گسترش دامنه جنگ میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی و تهدید مسیرهای حیاتی کشتیرانی در منطقه را افزایش داده است. به این ترتیب، پس از بحران تنگه هرمز، اوکراین به کشتی‌های ایرانی-روسی در دریای خزر حمله کرد و یک ایرانی نیز کشته شد. یک پهپاد ناشناس به دو کشتی در یکی از بنادر مصر حمله کرد و دو کشتی را به آتش کشید. باب المندل هم ناآرام است. روشن است که در بحران تنگه هرمز و دریای خزر، جمهوری اسلامی نقش مستقیم دارد. اما در آبراه باب المندل نیز حوثی‌های یمن نقش مستقیم دارند که مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران هستند. پهپادی که دو کشتی را در بنادر مصر به آتش کشید باز هم انگشت اتهام به سوی جمهوری اسلامی گرفته شده است. در یک کلام، این مردم ایران هستند که در معرض سرکوب و کشتار نیروهای سنتکام و هم‌چنین سرکوب و اعدام جمهوری اسلامی قرار دارند و بهای رقابت جمهوری اسلامی و آمریکا و اسرائیل را می‌پردازند. در حالی که اکثریت مردم ایران مخالف جنگ و مخالف جمهوری اسلامی و در عین حال مخالف دخالت خارجی در تحولات درونی جامعه ایران هستند!



حملات آمریکا به قشم ایران سه نفر از جمله یک کودک نوبا را کشت

ایالات متحده بامداد پنج‌شنبه ۳۰ یولی - هشتم مرداد، از اجرای یک عملیات دو ساعته علیه ده‌ها هدف در ایران خبر داد. فرماندهی مرکزی ایالات متحده «سنتکام» اعلام کرد این عملیات از نیمه‌شب آغاز شد و مراکز فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تاسیسات مرتبط با پهپادها را هدف قرار داد. سنتکام گفت هدف از این حملات، کاهش بیش‌تر تهدیدهای ناشی از جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی آن علیه نیروهای آمریکایی، کشتیرانی تجاری، و کشورهای همسایه در خلیج فارس بوده است. رسانه‌های جمهوری اسلامی ایران نیز گزارش دادند که در حملات آمریکا به جزیره قشم سه نفر کشته شده‌اند. سپاه پاسداران نیز در بیانیه‌ای وعده داد که به این حملات پاسخ خواهد داد.

هم‌زمان، وزارت جنگ کویت اعلام کرد یک حمله حکومت ایران به ساختمانی متعلق به یک شرکت چینی در شمال این کشور، یک کارگر را کشته و خسارات قابل‌توجهی بر جای گذاشته است. ارتش اردن نیز اعلام کرد پنج موشک شلیک‌شده از سوی جمهوری اسلامی را رهگیری و منهدم کرده است. این در حالی است که جمهوری اسلامی روز چهارشنبه نیز پایگاه‌های محل استقرار نیروهای آمریکایی در اردن را با موشک‌های بالستیک هدف قرار داده بود.

رویترز، گزارش داد که عربستان سعودی برای نخستین بار از آغاز جنگ، روز چهارشنبه به‌طور علنی در کنار نیروهای آمریکایی در حملات علیه گروه‌های همسو با جمهوری اسلامی در شرق عراق مشارکت کرد. این عملیات در واکنش به حملات پهلادی به تأسیسات نفتی عربستان که از خاک عراق انجام شده بود صورت گرفت.

به گزارش رویترز، تشدید درگیری‌ها بار دیگر بازارهای انرژی را تحت تأثیر قرار داده، و بهای نفت برنت برای دومین روز متوالی افزایش یافته و به حدود ۹۰ دلار در هر بشکه رسیده است.

پس از یک وقفه کوتاه، موج دوم حملات آمریکا به تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی از بامداد پنج‌شنبه هشتم مرداد ۱۴۰۵ آغاز شد. ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا «سنتکام» پنج‌شنبه ۳۰ یولی - هشتم مرداد، با انتشار تصاویری اعلام کرد در واکنش به تلاش روز گذشته ایران برای حمله موشکی به نیروهای آمریکایی، موج سنگین و گسترده‌ای از حملات را علیه اهدافی در این کشور انجام داده است.

بر اساس این بیانیه، نیروهای آمریکا ده‌ها هدف متعلق به سپاه پاسداران در ایران را مورد اصابت قرار دادند. این اهداف شامل مراکز فرماندهی نظامی، تأسیسات موشکی و پهلادی، سایت‌های پدافند و نظارت ساحلی و زیرساخت‌های دریایی بوده است.

سنتکام پیش‌تر اعلام کرده بود جدیدترین موج حملات به ایران را تکمیل کرده و ده‌ها موضع سپاه پاسداران را هدف گرفته و تأکید کرد این حملات پاسخ به تلاش ایران برای حمله موشکی علیه نیروهای آمریکایی طی روز گذشته است.

در این بیانیه آمده است که اهداف حملات بامداد پنج‌شنبه شامل مراکز فرماندهی نظامی، تأسیسات موشکی و پهلادی، مراکز نظارتی و دفاع ساحلی و همچنین توانمندی‌های دریایی بوده است.

فرماندهی مرکزی آمریکا اضافه کرد هدف از این حملات، کاهش بیشتر تهدیدهایی است که ایران و گروه‌های نیابتی آن علیه نیروهای آمریکایی، روند کشتی‌رانی تجاری و کشورهای خلیج ایجاد می‌کنند.

هم‌زمان، رسانه‌های داخلی ایران از شنیده شدن صدای انفجار در چند منطقه جنوب، از جمله جزیره‌های کیش، قشم، ابوموسی و شهرهای بوشهر، عبادان (آبادان)، فلاحیه (شادگان)، قصبه (اروند رود) و اهواز خبر دادند.

تصاویر منتشر شده در رسانه‌های اجتماعی لحظه اصابت این حملات به آب‌های اطراف جزیره قشم و اهواز را نشان می‌دهد.

این عملیات بخشی از نخستین حملات آمریکا به ایران از زمانی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا طی جمعه گذشته تصمیم گرفت کارزار حملات هوایی را با هدف «ایجاد فرصت جدید برای مذاکرات» متوقف کند.

خبرگزاری‌های رسمی در ایران می‌گویند در حملات آمریکا در بامداد پنج‌شنبه هشتم مرداد به مناطقی در جزیره قشم، یک منطقه مسکونی نیز هدف قرار گرفت.

این رسانه‌ها، همچنین به نقل از دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از «کشته شدن سه تن از اعضای یک خانواده از جمله یک کودک و زخمی شدن دو کودک» دیگر خبر دادند. محل این حمله «محله چاه‌تنگو شهر قشم» اعلام شده است.

سپاه پاسداران زنجان، با انتشار بیانیه‌ای از کشته شدن سه نیروی این نهاد نظامی در حملات بامداد پنج‌شنبه آمریکا به نقاطی از ایران خبر داد. در بیانیه روابط عمومی سپاه استان زنجان، به‌جز اسامی این اعضای سپاه پاسداران، جزئیات بیش‌تری درباره محل کشته‌شدن آن‌ها و درجه و محل فعالیت‌شان اعلام نشده است.

این در حالی است که تا ساعاتی قبل، رسانه‌های ایران این مناطق را به‌عنوان نقاطی که هدف حملات بامداد پنج‌شنبه قرار گرفت، اعلام کرده بودند: «اهواز، آبادان، بندرعباس، قشم، بندرانزلی گیلان، کازرون و فراهیند استان فارس، چغادک بوشهر، شادگان و اروندکنار خوزستان و جزیره کیش».

این نخستین بار است که رسانه‌های ایران از هدف قرار گرفتن زنجان در دور جدید حملات آمریکا به ایران خبر می‌دهند، اما پیش‌تر گزارش‌هایی از شلیک موشک بالستیک از منطقه زنجان گزارش شده بود.

هم‌زمان، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای حملات موشکی صبح پنج‌شنبه به اردن را تأیید کرد و مدعی شد در این حمله به پایگاه هوایی الازرق، «سه فروند هواپیمای اف ۳۵ را به کلی تخریب و به سه فروند دیگر خسارت سنگین وارد شد».

سپاه در بیانیه‌اش، همچنین ادعا کرد که «چند افسر و کادر فنی» آمریکایی نیز در این حملات کشته شدند.

جمهوری اسلامی ایران، پس از پایان موج سنگین حملات شبانه آمریکا به اهدافی در استان‌های جنوبی و غربی ایران، حملات خود به اهدافی در منطقه را ادامه داده است. کویت می‌گوید که در حمله ایران به ساختمانی در شمال آن کشور یک نفر کشته شده و ارتش اردن نیز از سرنگونی پنج موشک ایرانی خبر داده است. آمریکا می‌گوید که ده‌ها هدف سپاه پاسداران را در واکنش به حمله موشکی ایران به یک پایگاه آمریکایی در اردن هدف قرار داده است؛ رسانه‌های ایران نیز از کشته شدن سه نفر، از جمله یک کودک، خبر داده‌اند.

به گفته احمد نفیسی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار هرمزگان، عملیات جست‌وجو، امدادرسانی و آواربرداری در محل حمله با تلاش نیروهای امدادی، عملیاتی و تیم‌های پشتیبان به پایان رسید و پیکر کشته‌شدگان از زیر آوار خارج شد. این مقام افزود که دو فرزند دیگر این خانواده در دقایق ابتدایی حادثه از زیر آوار خارج شدند و پس از انجام اقدامات اولیه درمانی توسط نیروهای امدادی، به منظور رسیدگی به مصدومیت‌شان به مرکز درمانی منتقل شده‌اند.

احمد احمدی‌زاده، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار فارس از حملات هوایی نیروهای آمریکایی به مناطقی در شهرستان‌های کازرون و فراسیند در بامداد پنجشنبه ۸ مرداد خبر داد؛ حملاتی که به گفته او هیچ تلفات جانی در پی نداشت.

او مدعی شد که با وجود این حملات، هم‌اکنون وضعیت در هر دو شهرستان کازرون و فراسیند «کاملاً پایدار و آرام» است و «هیچ مشکلی برای روند عادی زندگی مردم وجود ندارد.» به گفته احمدی‌زاده مردم این دو شهرستان «بدون دغدغه» به فعالیت‌های روزمره خود مشغول هستند و شرایط در آن‌جا «تحت کنترل و عادی» است.

از سوی دیگر محمد مظفری، فرماندار بوشهر به خبرگزاری دولتی ایرنا گفت که بامداد پنجشنبه «دو نقطه در حوالی شهر چغادک از توابع این شهرستان مورد اصابت موشک‌های آمریکایی قرار گرفته است.»

به گفته او این حملات در ساعت چهار بامداد به وقت محلی رخ داد و «تلفات جانی» نداشت. مظفری جزئیات بیشتری از جمله این که آیا این حملات به اهداف نظامی یا غیرنظامی انجام گرفته، ارائه نداد.

ایرنا، هم‌چنین به نقل از احسان جهانیان، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر گزارش داد که شهرستان‌های بوشهر، دشتی و جم بامداد پنجشنبه مورد حملات هوایی و اصابت موشکی قرار گرفتند. او افزود که این حمله‌ها تلفات جانی به همراه نداشته و میزان خسارات در دست بررسی است.

پیش‌تر خبرگزاری تسنیم به نقل از معاون امنیتی و انتظامی استانداری خوزستان گزارش داده بود که نقاطی در اطراف شهر اهواز مورد حمله موشکی آمریکا قرار گرفته و در پی این حمله برق نقاطی از شهر قطع شده است.

به گزارش اقتصاد آنلاین، نقاطی در اطراف شهر آبادان، اطراف شهر شادگان و نقاطی در اطراف شهر اروندکنار در بامداد پنجشنبه ۳۰ یولی هدف حمله موشکی آمریکا قرار گرفتند.



سپاه پاسداران، پنجشنبه ۳۰ یولی-۸ مرداد، با انتشار بیانیه‌ای مدعی شد، دو نفتکش که با حمایت ایالات متحده قصد خروج از مسیر جنوب تنگه هرمز را داشتند، پس از «بروز آتش‌سوزی شدید در یکی از آن‌ها، با سرعت به عقب برگشتند.»

روابط عمومی سپاه پاسداران در این بیانیه، اعلام کرد: «شامگاه چهارشنبه دو تانکر نفتکش با تحریک پرنده‌های آمریکایی قصد خروج از مسیر نایمن جنوب تنگه هرمز را داشتند که پس از وقوع حریق شدید در یکی از آنها، هر دو شناور با سرعت به عقب برگشتند.»

سپاه پاسداران نام نفتکش‌ها و دلیل بروز حریق در یکی از این نفتکش‌ها را اعلام نکرد.

سپاه در بیانیه خود هم‌چنین کشورهای منطقه را تهدید کرده و گفت: «کشورهایی که در کمک به متجاوز دخالت دارند، اگر رفتار خود را اصلاح نکنند، پاسخ سختی دریافت خواهند کرد.» سپاه پاسداران هم‌چنین مدعی شد که با توجه به تهدیدات لفظی و دخالت ایالات متحده در منطقه، «تنگه هرمز در شرایط فعلی قابل بازگشایی نیست.»

سپاه پاسداران روز چهارشنبه ۲۹ یولی-۷ مرداد نیز اعلام کرده بود، سه نفتکش را که «اخطارهای دریایی را نادیده گرفته بودند»، در تنگه هرمز هدف قرار داده و متوقف کرده است.

به گزارش وال استرین ژورنال ۲۹ یولی ۲۰۲۶، گفته افراد آگاه از دیدگاه‌های کوپر، منطق اصلی گزینه حداکثری او این است که آمریکا از حملات تلافی‌جویانه محدود - که تاثیر چندانی در بازداشتن تهران از تهدید کشتی‌ها در تنگه هرمز و شلیک موشک به سوی نیروهای آمریکایی در منطقه نداشته‌اند- فراتر رفته و با تشدید چشم‌گیر جنگ وارد عمل شود.

کوپر استدلال کرده است که اگر آمریکا می‌خواهد اقدام نظامی مؤثر واقع شود، باید حملات هوایی خود را افزایش دهد و تهدید موشکی ایران را به‌طور قابل‌توجهی تضعیف کند تا شاید بتواند بن‌بست کنونی را در هم بشکند. او تاکید دارد که این رویکرد موسوم به «بزرگ وارد عمل شدن» که یکی از چندین گزینه طراحی‌شده توسط اوست، نیاز آمریکا به استفاده از مهمات دفاعی را نیز کاهش خواهد داد؛ زیرا در صورت موفقیت، توان ایران برای انجام حملات متقابل کمتر خواهد شد.

شان پارنل، سخن‌گوی ارشد پنتاگون، در بیانیه‌ای گفت: «وزیر دفاع هگست، درایب کوپر فرمانده ستکام و ژنرال کین رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح، در زمینه عملیات برون‌مرزی مرتبط با ایران کاملاً همسو هستند و در ماموریت، راهبرد و اراده عملیاتی وحدت کامل دارند.» او افزود: «وزارت جنگ کاملاً آماده و مجهز است و در هر لحظه برای اجرای دستورات رئیس‌جمهوری آمادگی دارد.»

کوپر مدت‌ها بر این باور بوده که اگر زمان کافی در اختیار داشته باشد، استفاده از نیروی نظامی می‌تواند ضربه‌ای سنگین و فلج‌کننده به ایران وارد کند؛ هرچند برخی کارشناسان نظامی معتقدند که قدرت هوایی به‌تنهایی هرگز نتوانسته است سرنوشت یک جنگ را تعیین کند. هنگامی که ترامپ در ماه فوریه در حال بررسی آغاز جنگ بود، کوپر برآورد کرده بود که برای تکمیل عملیات به شش هفته یا حتی بیش‌تر زمان نیاز دارد. اما در عمل زمان کم‌تری در اختیار او قرار گرفت.

کارزار مشترک هوایی آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه آغاز شد. با این حال، تا پایان ماه مارس، رییس‌جمهوری آمریکا به‌تدریج بی‌حوصله و ناراضی شده بود. ایران اعلام کرده بود که تنگه هرمز را بسته و اقدام به کارگذاری مین‌های دریایی در این آبراه راهبردی کرده است. افزایش شدید قیمت نفت اقتصاد جهانی را دچار تلاطم کرد و آمریکا را واداشت برای کاهش قیمت‌ها از ذخایر نفتی خود استفاده کند.

بر اساس گفته فردی آگاه از دیدگاه‌های کوپر، او در ۳۱ مارس محاسبه کرده بود که هنوز حدود ۲۰ روز دیگر برای تکمیل ماموریت خود نیاز دارد. اما در ۳ آوریل، یک جنگنده آمریکایی اف-۱۵ بر فراز جنوب غربی ایران سرنگون شد و عملیات نجاتی پرخطر را رقم زد. هرچند هر دو خلبان نجات یافتند، اما این حادثه در تصمیم ترامپ برای نهایی کردن توافق آتش‌بس تنها چند روز بعد از آن نقش داشت.

اندکی پس از اعلام آتش‌بس، هگست که او نیز در نشست هفته گذشته ایرفورس وان حضور داشت، در یک کنفرانس خبری اعلام کرد که برنامه موشکی ایران «عملاً نابود شده» و سامانه‌های پرتاب و موشک‌های این کشور «به‌شدت فرسوده و منهدم» شده‌اند.

اما ارزیابی نهادهای اطلاعاتی آمریکا این بود که توان موشکی ایران به‌طور کامل از بین نرفته است. ترامپ در اوایل ماه ژوئن و در گفت‌وگو با برنامه «میت د پرس» شبکه ان‌بی‌سی گفته بود که ایران احتمالاً هنوز حدود ۲۱ تا ۲۲ درصد از ذخیره موشکی خود را در اختیار دارد. برخی تحلیلگران حتی برآوردهای بالاتری ارائه کرده بودند.

در حالی که کین کاخ سفید را از محدود بودن ذخایر موشک‌های رهگیر پدافندی آمریکا آگاه کرده بود، استدلال کوپر این بود که حملات هوایی سنگین می‌تواند توان موشکی ایران و قابلیت این کشور برای انجام حملات تلافی‌جویانه را به‌شدت کاهش دهد. در چارچوب رویکرد کین، سامانه‌های پدافند هوایی آمریکا در منطقه می‌توانند برای تقویت حفاظت از مراکز و تاسیسات کلیدی جابه‌جا و بازآرایی شوند. به گفته افراد آگاه، کوپر در تدوین گزینه‌های مربوط به یک کارزار هوایی گسترده و فشرده از حمایت هگست برخوردار بوده است.

از ماه مارس، ادامه جنگ عبور از تنگه هرمز، گذرگاه باریک ورودی خلیج فارس، را بسیار خطرناک‌تر کرده است. در نتیجه، عربستان سعودی، یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت جهان، بیش از گذشته به صادرات نفت از طریق دریای سرخ وابسته شده است؛ مسیری که اخیراً نیز از سوی گروه‌های حوثی‌های مورد حمایت ایران در یمن به محاصره تهدید شده است.

این حملات و تهدیدها باعث شده بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی از اعزام کشتی‌های خود به آب‌های منطقه خودداری کنند. بر اساس داده‌های مؤسسه دریایی «ویندوارد»، تعداد کشتی‌هایی که از تنگه باب‌المندب در دریای سرخ عبور می‌کنند، از ۲۰ یولی تا کنون حدود یک‌پنجم کاهش یافته است. هم‌چنین تردد از تنگه هرمز هم‌چنان کم‌تر از یک‌دهم سطح پیش از آغاز جنگ باقی مانده است.

بحران تنگه هرمز نشان داد که تنگه هرمز صرفاً یک آبراه تجاری نیست، بلکه یک تنگه راهبردی و طلایی انتقال انرژی و هویت‌بخش به قدرت دریایی ایران است که بر کل اقتصاد جهان اثرگذار است. تنگه هرمز نه صرفاً یک گذرگاه دریایی، بلکه به‌مثابه مرکز ثقل رقابت‌های ژئوپلیتیک جهانی است. تمرکز منابع عظیم انرژی در خلیج فارس از یک سو و وابستگی حیاتی اقتصاد جهانی به این منابع از سوی دیگر، باعث شده است که هرگونه بی‌ثباتی در این تنگه، فوراً امنیت انرژی جهان را مختل می‌کند.

تنگه باب‌المندب یکی از مهم‌ترین آبراهه‌های اقتصادی و حیاتی در جهان محسوب می‌شود که تاثیر آن در منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی، کمتر از قدرت نظامی نیست. این تنگه که عرض آن در باریک‌ترین نقطه حدود ۳۰ کیلومتر است، میان یمن در آسیا و جیبوتی و اریتره در آفریقا ارتباط برقرار می‌کند و به‌عنوان یک حلقه اصلی، دریای سرخ را به خلیج عدن و دریای عرب، و در نهایت به کانال سوئز و دریای مدیترانه متصل می‌سازد.

روزانه بین ۷ تا ۱۰ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کند. باب‌المندب هم‌چنین مسیر اصلی برای حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد از تجارت جهانی به مقصد اروپا، آمریکا و بازارهای آسیایی است و حدود ۲۵ درصد از نیاز اروپا به گاز طبیعی مایع (LNG) را تأمین می‌کند. میزان تردد کشتی‌ها از این تنگه سالانه حدود ۲۱ هزار فروند تخمین زده می‌شود که معادل ۵۷ کشتی در روز است و ارزش محموله‌های عبوری از آن سالانه به حدود ۷۰۰ میلیارد دلار می‌رسد.

الجزیره می‌افزاید که هرگونه اختلال در این تنگه، به ویژه اگر با توقف تردد در تنگه هرمز هم‌زمان شود، می‌تواند منجر به یک بحران حمل‌ونقل جهانی گردد که زمان سفر بین آسیا و اروپا را از ۳۱ روز به ۴۱ روز افزایش داده و هزینه سفر برای یک کشتی کانتینری متوسط را بدون احتساب هزینه‌های اضافی از یک میلیون دلار به حدود ۱,۷ میلیون دلار برساند.

نیروهای مسلح یمن در چند سال اخیر بیش از ۱۰۰ حمله به کشتی‌ها انجام داده و شرکت‌های بزرگ را مجبور به تغییر مسیر از این آبراهه کرده‌اند؛ به طوری که جریان نفت از این تنگه از تقریباً ۹ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۳ به ۴ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است.

این وضعیت در تنگه باب‌المندب مستقیماً بر کانال سوئز نیز تاثیر گذاشته است، به‌گونه‌ای که درآمدهای آن از ۱۰,۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ به حدود ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ کاهش یافته است. هم‌چنین تعداد کشتی‌های عبوری از کانال نیز از بیش از ۲۶ هزار فروند به حدود ۱۳ هزار فروند تقلیل یافته که این امر مصر را از یکی از مهم‌ترین منابع ارز خود محروم کرده و فشار بر بودجه و نرخ ارز پوند را افزایش داده است.

بنابراین، تنگه باب‌المندب صرفاً یک نقطه جغرافیایی نیست، بلکه شریانی حیاتی برای انرژی و تجارت جهانی است و هرگونه تهدید برای بستن آن، شوک‌های مستقیم به اقتصاد جهانی وارد می‌کند که فراتر از نفت، تمامی بخش‌های حمل‌ونقل، تدارکات و تجارت بین‌المللی را در بر می‌گیرد.

حفر کانال سوئز و افتتاح آن در سال ۱۸۶۹، جایگاه تنگه باب‌المندب دگرگون شد و به دروازه جنوبی اصلی‌ترین مسیر تجارت میان اروپا و آسیا تبدیل گردید. (استافورد، ۲۰۰۹؛ دانشنامه برخط بریتانیکا، ۲۰۲۶) از آن زمان، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی برای تسلط بر این آبراه کلیدی به رقابت پرداخته‌اند. (داری، ۱۹۷۳؛ هدریک، ۱۹۸۱) در دوران معاصر، جنگ یوم کیپور (۱۹۷۳) باعث برجسته شدن اهمیت مسیرهای دریایی شد و این تنگه اهمیت ژئوپلیتیکی پیدا کرد. (دانشنامه برخط بریتانیکا، ۲۰۲۶ ج)

جزیره پریم (میون) تنگه را به دو کانال شرقی و غربی تقسیم می‌کند. کانال غربی با عرض حدود ۲۵ کیلومتر و عمق بیش از ۲۰۰ متر مسیر اصلی عبور کشتی‌های بین‌المللی است؛ اما کانال شرقی (اسکندر) که در برخی نقاط عمقی کمتر از ۱۰ متر دارد، صرفاً برای ترافیک محلی و قایق‌های کوچک مناسب است. (دانشنامه برخط بریتانیکا، ۲۰۲۶ الف). بر اساس قوانین بین‌المللی (کنوانسیون سازمان ملل درباره حقوق دریاها، ۱۹۸۲)، تمامی کشورها حق تردد بی‌آزار (عبور صلح‌آمیز) از این آبراه را دارند، اما موقعیت حساس ژئوپلیتیک آن همواره دستاویزی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است.

تنگه باب‌المندب به‌عنوان تنها راه ورود به کانال سوئز، یکی از حیاتی‌ترین مسیرهای ترانزیت انرژی جهان به شمار می‌رود. آمارها نشان می‌دهد حدود ۹ تا ۱۲ درصد از کل تجارت دریایی نفت از این تنگه عبور می‌کند. در سال ۲۰۲۳ (قبل از جنگ غزه)، ۶,۹ میلیون، حدود ۱۱-۱۰ درصد حجم عادی و در سال ۲۰۲۴ این جابجایی کاهش پیدا کرد و به ۲,۵ میلیون که حدود ۵-۴ درصد، کاهش حدود ۶۴ درصدی پیدا کرد معلول خطرناکی‌های انصارالله بود و مجدد بعد از تأمین امنیت توسط انصارالله در نیمه اول ۲۰۲۵ به ۴,۲ میلیون رسید که حدود ۶ درصد کل ترانزیت انرژی را به خود اختصاص داد. در سه ماهه اول ۲۰۲۶، این ترانزیت به ۵,۴ میلیون بشکه در روز رسید که حدود ۸ درصد (برآورد) کل ترانزیت را به خود اختصاص می‌دهد. (مؤسسه اطلاعات انرژی آمریکا، ۲۰۲۳؛ اس‌اندپی گلوبال-کالا‌های دریایی، ۲۰۲۴؛ رادیو اروپای آزاد-رادیو آزادی، ۲۰۲۵؛ آژانس بین‌المللی انرژی، ۲۰۲۶ ج).

حملات نیروهای انصارالله یمن (حوثی‌ها) به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ از اواخر سال ۲۰۲۳، تغییرات عمیقی در الگوی ترانزیت انرژی جهان ایجاد کرده است. مشاهده می‌شود که میانگین عبور روزانه کشتی‌ها از باب‌المندب از بیش از ۷۰ فروند در حالت عادی به تنها ۲۸ فروند کاهش یافت. حملات مجدد حوثی‌ها در ژوئیه ۲۰۲۵ بار دیگر نرخ حمل و نقل و حق بیمه کشتی‌ها را افزایش داد و بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی را وادار به تغییر مسیر داد (اس‌اندپی گلوبال، ۲۰۲۵).

جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به امنیت آبراهه‌های بین‌المللی وابسته است؛ آبراهه‌هایی که بخش قابل‌توجهی از انرژی، کالا و زنجیره تأمین جهانی از آن‌ها عبور می‌کند. در میان این مسیرها، تنگه هرمز و باب‌المندب جایگاهی بی‌بدیل دارند؛ دو گلوگاه راهبردی که هرگونه اختلال در آنها می‌تواند بازارهای جهانی انرژی را دچار شوک، هزینه حمل‌ونقل را چند برابر و اقتصادهای بزرگ جهان را با موج تازه‌ای از تورم و رکود مواجه کند.

دولت مصر روز پنج‌شنبه ۳۰ ژوئیه اعلام کرد که آتش‌سوزی روز گذشته در بندر دمياط بر اثر یک حمله پهپادی رخ داده است؛ نخستین حمله‌ای که از زمان آغاز جنگ در خاورمیانه، خاک مصر را هدف قرار داده است.

نیویورک تایمز گزارش داد، دو مقام ایرانی که به دلیل حساسیت موضوع خواستند نامشان فاش شود، گفته‌اند که «این انفجار یک حمله پهپادی بوده و با این هدف انجام شده که اگر ایران تصمیم به تشدید درگیری بگیرد، حمل‌ونقل دریایی و تأمین جهانی انرژی می‌تواند با اختلالات گسترده‌تری روبه‌رو شود.» این

افراد مشخص نکردند که آیا این حمله توسط ایران یا یکی از گروه‌های هم‌پیمان جمهوری اسلامی در منطقه انجام شده و همچنین محل انجام حمله را نیز فاش نکردند.

دونالد ترامپ، روز چهارشنبه ۲۹ یولی در دفتر بیضی کاخ سفید به خبرنگاران گفت که اطلاعاتی درباره این انفجار به دستش رسیده است. ترامپ بدون ارائه جزئیات، تلویحا ایران را مسئول آن دانست. او گفت این حادثه «ادامه همان روند قبلی» است. او افزود: «ما قرار است بسیار سخت به آن‌ها ضربه بزنیم، چون حالا نوبت ماست.»

اگرچه ایران نیز از هرگونه تنش و اختلال در این مسیرها متأثر خواهد شد، اما وابستگی شدید اقتصادهای صنعتی و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی به این آبراهه‌ها سبب شده است بسیاری از کارشناسان معتقد باشند بازندگان اصلی هرگونه بحران در هرمز و باب‌المندب، آمریکا و اقتصادهای بزرگ آسیایی و اروپایی خواهند بود.

در شرایطی که تنش‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا همچنان ادامه دارد، بار دیگر نام دو آبراهه راهبردی جهان یعنی تنگه هرمز و باب‌المندب در کانون توجه بازارهای جهانی قرار گرفته است؛ دو گلوگاهی که امنیت آن‌ها نه تنها برای کشورهای منطقه، بلکه برای اقتصاد جهانی اهمیتی حیاتی دارد.

تنگه هرمز به تنهایی مسیر انتقال حدود یک‌پنجم نفت مصرفی جهان محسوب می‌شود و روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و بخش قابل توجهی از تجارت گاز طبیعی مایع (LNG) از این مسیر عبور می‌کند. در سوی دیگر، تنگه باب‌المندب حلقه اتصال دریای سرخ به اقیانوس هند و کانال سوئز است و بخش مهمی از تجارت میان آسیا و اروپا از این مسیر انجام می‌شود.

کارشناسان معتقدند هرگونه اختلال همزمان در این دو آبراهه می‌تواند به بزرگ‌ترین شوک انرژی جهان از زمان بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ تبدیل شود؛ شوکی که آثار آن تنها به بازار نفت محدود نخواهد بود و تمامی زنجیره‌های تامین، حمل‌ونقل دریایی، تجارت جهانی و حتی امنیت غذایی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

تحولات سال‌های اخیر بار دیگر نشان داده است که امنیت انرژی جهان همچنان به غرب آسیا وابسته است و هیچ مسیر جایگزینی تاکنون نتوانسته نقش تنگه هرمز و باب‌المندب را به طور کامل ایفا کند. از این رو، هرگونه تشدید تنش در این دو آبراهه می‌تواند اقتصاد جهانی را با شوک‌های عمیق مواجه کرده و بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه را در معادلات بین‌المللی برجسته سازد. در چنین شرایطی، آنچه بیش از گذشته آشکار می‌شود این است که ثبات اقتصاد جهانی، امنیت انرژی و پایداری زنجیره‌های تامین، بیش از هر زمان دیگری به امنیت این دو شریان حیاتی گره خورده است؛ شریان‌هایی که اختلال در آن‌ها نه تنها کشورهای منطقه، بلکه کل اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بدون تردید ایران نیز از هرگونه تنش گسترده در آبراهه‌های منطقه متأثر خواهد شد. افزایش هزینه‌های بیمه، محدودیت‌های تجاری و اختلال در حمل‌ونقل می‌تواند بر تجارت خارجی کشور اثر منفی بگذارد.



جنگ‌ها اثرات و تخریبات گسترده‌ای در زندگی انسان دارند. در دور قبلی حملات آمریکا به جنوب ایران، این بار تنها مراکز نظامی را هدف نگرفت. مقامات محلی از اصابت پرتابه به یک سیلوی ذخیره گندم در هویزه، یک نقطه در دشت آزادگان، یک کارخانه آب معدنی در ایلام و یک پاسگاه محیط‌بانی در هرمزگان خبر دادند؛ حملاتی که در کنار خسارت به زیرساخت‌ها، نگرانی‌ها درباره امنیت غذایی، معیشت مردم و تداوم خدمات عمومی در استان‌های جنوبی را افزایش داده است.

استان‌های خوزستان، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان سال‌هاست علاوه بر اهمیت نظامی و راهبردی، با مشکلاتی مانند کمبود آب، قطعی‌های مکرر برق، بیکاری، فقر و ضعف زیرساخت‌های خدماتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

اکنون با گسترش حملات، نگرانی تازه‌ای نیز شکل گرفته است؛ امنیت غذایی و تامین کالاهای اساسی. هدف قرار گرفتن سیلوهای ذخیره گندم، حتی اگر همه ذخایر آن از بین نرفته باشد، می‌تواند زنجیره انتقال آرد را مختل کند؛ موضوعی که نخستین نشانه‌های آن معمولاً در نانوائی‌ها و بازار مواد غذایی دیده می‌شود. خاموشی‌های مکرر تنها منجر به اختلال در زندگی منازل شهروندان محدود نمی‌شود. نانوائی‌ها، سردخانه‌ها، پمپ‌های آب و بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک نیز با قطع برق از کار می‌افتند و ادامه این وضعیت می‌تواند توزیع نان، آب و مواد غذایی را با مشکل روبه‌رو کند.

خاموشی‌ها، همچنین فشار سنگینی بر بخش صنعت و اشتغال نیز وارد کرده‌اند. روزنامه «اطلاعات» در همین زمینه به نقل از معاون برنامه‌ریزی وزارت صنعت نوشته که زیان ناشی از قطعی برق صنایع از حدود ۳۰۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به ۴۷۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ رسیده است. این مقام هشدار داده که اگر وضعیت ادامه پیدا کند، احتمال افزایش بیکاری در نیمه دوم سال وجود دارد.

قدرت خرید مردم ایران و عرضه و تقاضای بازار ارتباط مستقیم با بودجه دولت و نحوه پرداخت حقوق کارمندان و کارگران در دو بخش عمومی و خصوصی دارد.

طی جنگ‌های اخیر و به علت محاصره دریایی، فروش نفت ایران تقریباً به صفر رسید. همچنین به علت آسیب شدید به شرکت‌های بزرگ (چه از طریق بمباران آن‌ها و چه به دلیل تحریم ورود مواد اولیه) تولید در این شرکت‌ها یا متوقف شد یا به حداقل ممکن رسید.

دولت جمهوری اسلامی ایران که همواره با کسری بودجه مزمن مواجه بود، با آسیب جدی به منابع درآمدی‌اش پس از جنگ ۳۹ روزه با کسری عظیم بودجه مواجه شد. این امر باعث تاخیر زیاد در پرداخت حقوق کارکنان دولتی و حذف بودجه پروژه‌های خدماتی و عمرانی شد که این وضع به نوبه خود نیز بخش خصوصی را شدیداً تحت تأثیر قرار داد.

دولت برای جبران این کسری، به بدترین و تورمی‌ترین اقدام یعنی چاپ پول متوسل شد. چنین وضعی نه تنها مشکل پرداخت‌های دولت را حل نکرد بلکه باعث گرانی و تورم شدید کالاها به‌ویژه کالاهای مصرفی شد و در نهایت به کاهش هولناک قدرت خرید مردم منتهی شد.

مردم از تحریم‌های اقتصادی که به‌عنوان ابزار علیه آن‌ها به کار گرفته شد آسیب دیده‌اند و حالا بمب‌های دونالد ترامپ و طناب‌های دار و تیراندازی به مردم در خیابان‌ها توسط ماموران جمهوری اسلامی، جان مردم را می‌گیرد. در نتیجه اکثریت مردم ایران همیشه احساس کرده‌اند که از هر دو طرف تحت فشار قرار دارند. یک طرف توسط آمریکا، قبلاً با تحریم‌ها و حالا با بمب‌ها، و طرف دیگر توسط جمهوری اسلامی که حقوق اجتماعی مردم را روزانه نادیده می‌گیرد. بنابراین، مردم آزادی‌خواه و ضدجنگ ایران، اکنون مجبورند در دو جبهه بجنگند: جبهه ضدجنگ و جبهه سرنگونی حکومت جهل و جنایت و ترور اسلامی!

پنج‌شنبه هشتم مرداد ۱۴۰۵ - سی‌ام یولی ۲۰۲۶